فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس
دوره ۱۱، شماره ۱، شماره پیاپی (٤١)، بهار ١٤٠٤، ص ۵۱ ـ ۲۵

مقاله پژوهشی

دکترین دفاعی امنیتی نوین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات ترکیبی طراحی منظومه هوشمند و یکپارچه امنیت ملی بر اساس درس آموخته‌های دفاع

جواد معصومی[۱] هادی‌مراد پیری[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

چکیده:

ظهور تهدیدات ترکیبی شامل حملات هم‌زمان فیزیکی، سایبری، شناختی و نفوذ درونی، ساختارهای سنتی دفاع ملی را با چالش‌های بنیادین مواجه ساخته است. حمله ترکیبی رژیم صهیونیستی به مراکز نظامی و زیرساختی جمهوری اسلامی ایران در بامداد ٢٤ خرداد ١٤٠٤، با پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان و برخی کشورهای عربی، نمونه‌ای بارز از این تهدیدات چنددامنه‌ای به شمار می‌رود که ناکارآمدی دکترین بازدارندگی کلاسیک را آشکار ساخت و لزوم طراحی الگویی بومی و آینده‌پذیر برای دفاع ملی را برجسته کرد. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی، آینده‌نگر و بهره‌گیری از روش تحلیل ساختاری (MICMAC) و تکنیک دلفی، در پی طراحی دکترین دفاعی–امنیتی نوین برای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ‌های ترکیبی بوده است. در این راستا، با شناسایی و تحلیل متغیرهای کلیدی امنیتی و روابط علّی–تأثیری میان آن‌ها، منظومه‌ای هوشمند، چندلایه و یکپارچه در عرصه امنیت ملی طراحی شد. تحلیل ماتریس تأثیرگذاری متقابل نشان داد که متغیرهایی نظیر یکپارچگی فرماندهی، سامانه هشدار سریع، بازدارندگی سایبری فعال، مدیریت شناختی روایت‌ها، مشارکت مردمی و پدافند درونی، نقشی تعیین‌کننده در بازمهندسی ساختار دفاعی–امنیتی ایفا می‌کنند. یافته‌ها حاکی از آن است که تحقق امنیت پایدار در عصر جنگ‌های ترکیبی، مستلزم دکترین پیش‌دستانه، شبکه‌ای و ادراک‌محور است؛ دکترینی که بر بنیان هماهنگی نهادی، تاب‌آوری اجتماعی، آمادگی مردمی و قدرت تصمیم‌سازی لحظه‌ای استوار باشد. مدل مفهومی پیشنهادی امنیت را نه‌به‌مثابه ساختار ایستا، بلکه به‌عنوان منظومه‌ای تطبیقی، واکنش‌پذیر و دینامیک تعریف می‌کند که قابلیت سازگاری با تحولات نوظهور و سناریوهای آینده تهدید را داراست.

واژگان اصلی: دکترین دفاعی–منیتی، تهدیدات ترکیبی، MICMAC، بازدارندگی شناختی، منظومه هوشمند، امنیت ملی، یکپارچگی نهادی.

۱. دانش آموخته دکتری مدیریت دانش دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
pouyamasoumi1358@gmail.com
۲. دانشیار مدیریت دفاعی دانشگاه جامع امام حسین(علیه‌السلام)، تهران، ایران

مقدمه

تحولات اخیر در عرصه امنیت ملی نشانگر گذار قطعی از جنگ‌های متقارن به نبردهای ترکیبی و چندساحتی است؛ نبردهایی که در آن، ابزارهای فیزیکی، سایبری، شناختی، اطلاعاتی امنیتی و نفوذ درونی به‌صورت هم‌زمان و هدفمند به کار گرفته می‌شوند. در چنین ساختاری، خطوط مرزی، مفهوم بازدارندگی سنتی، و فاصله زمانی تصمیم‌گیری، جای خود را به ناامنی در عمق سرزمینی، عملیات ادراکی، و نیاز به واکنش در لحظه داده‌اند. تهدید دیگر صرفاً در مرزها یا تنها از بیرون کشور آغاز نمی‌شود؛ بلکه از دل زیرساخت‌های دیجیتال، جامعه، رسانه‌ها و حتی فضای روانی شکل می‌گیرد.

حمله ترکیبی رژیم صهیونیستی و امریکا به مراکز هسته‌ای، نظامی و زیرساختی جمهوری اسلامی ایران در ٢٤ خرداد ١٤٠٤، نمونه‌ای بارز از چنین نبردی است. این حمله با استفاده از پهپادهای از پیش مستقر، مهمات هوشمند دوربرد، اختلال سایبری، و جنگ ادراکی انجام شد و نشان داد که ساختار سنتی دفاع ملی، به‌ویژه در حوزه‌های هشدار سریع، فرماندهی چابک، و تاب‌آوری در برابر حملات شناختی، نیازمند بازآفرینی بنیادین است. ضعف هماهنگی نهادی، نبود سامانه هشدار ملی، و پاسخ غیرمنسجم به تهدیدات چندلایه، آسیب‌پذیری ساختار موجود را بیش‌ازپیش نمایان ساخت.

با وجود توجه به برخی مؤلفه‌ها در پژوهش‌های داخلی، هنوز چارچوبی جامع و بومی برای بازطراحی دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات ترکیبی تدوین نشده است. ادبیات دفاعی غالباً به‌صورت بخشی، به جنگ سایبری، پدافند غیرعامل، یا مقاومت رسانه‌ای پرداخته، اما نگاه منظومه‌ای و آینده‌نگر به ساختار امنیت ملی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل ساختاری **(MICMAC)** و رویکردی آینده‌نگر، درصدد شناسایی متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر امنیت ملی در شرایط جدید است و تلاش دارد با طراحی منظومه‌ای هوشمند، چندلایه و واکنش‌پذیر، الگویی عملیاتی برای دکترین دفاعی نوین جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد؛ الگویی که با تکیه بر فناوری‌های نوین، فرماندهی چابک، مشارکت مردمی و هماهنگی منطقه‌ای، ظرفیت مقابله با جنگ‌های ترکیبی نوین را فراهم آورد.

بیان مسئله

در دهه‌های اخیر، الگوهای تهدید علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دچار تحولاتی بنیادین شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که دیگر نمی‌توان مرز روشنی میان صلح و جنگ، درون و بیرون، و حتی دولت و بازیگران غیردولتی ترسیم کرد (Kaldor, 2013) در این شرایط، جنگ‌ها از قالب‌های سنتی فاصله گرفته و به‌سوی الگوهای ترکیبی و شناخت‌محور متمایل شده‌اند؛ الگویی که در آن، مرزهای نظامی، اطلاعاتی، فناورانه، اقتصادی و ادراکی درهم تنیده شده و هدف اصلی، تضعیف تدریجی انسجام ملی از درون است.(Hoffman, 2007)

جمهوری اسلامی ایران نیز در معرض چنین تهدیداتی قرار گرفته است؛ تهدیداتی که در موارد متعددی، از بسترهای سایبری، رسانه‌ای، اجتماعی و روانی تغذیه می‌شوند. حادثه بامداد ۲۴ خرداد ۱۴۰۴ که طی آن، مراکز هسته‌ای و نظامی کشور مورد حمله ترکیبی قرار گرفتند، نمونه‌ای بارز از این نوع تهدیدات است. این رویداد، کاستی‌های موجود در سامانه‌های هشدار سریع، فرماندهی واکنشی و تاب‌آوری شناختی کشور را آشکار ساخت (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۴).

اگرچه برخی مطالعات داخلی به‌طور جزئی به ابعاد جنگ سایبری، پدافند غیرعامل یا عملیات روانی پرداخته‌اند، اما تاکنون چارچوبی جامع، بومی، یکپارچه و آینده‌نگر برای مواجهه راهبردی با تهدیدات ترکیبی طراحی نشده است (نصراللهی، ۱۴۰۱). در سطح جهانی نیز، مفاهیمی مانند «بازدارندگی شناختی» و «امنیت ترکیبی» مطرح شده‌اند(Pynnöniemi & Rácz, 2016) ؛ (Kofman & Rojansky, 2015، اما این مفاهیم هنوز متناسب با زمینه‌های فرهنگی، دینی و نهادی جمهوری اسلامی ایران بومی‌سازی و عملیاتی نشده‌اند. نتیجه این خلأ نظری و ساختاری، ناهماهنگی نهادی، پراکندگی سیاست‌گذاری، و فقدان انسجام میان ساختار رسمی امنیتی و ظرفیت‌های مردمی بوده است.

با توجه به روندهای شتابنده در توسعه جنگ‌های شناختی و چنددامنه‌ای، انتظار می‌رود تهدیدات ترکیبی به‌عنوان الگوی غالب در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران گسترش یابند (DIA, 2023). در چنین شرایطی، ساختار امنیت ملی کشور ناگزیر از بازآرایی استراتژیک است؛ بازآرایی‌ای که مبتنی بر الگویی بومی برای سازماندهی هماهنگ و چندسطحی دفاع ملی باشد. این الگو باید بتواند هم‌زمان با پوشش تهدیدات فیزیکی، سایبری، رسانه‌ای و شناختی، ظرفیت‌های نظامی، فناورانه، فرهنگی، نهادی و مردمی را در قالب یک منظومه هوشمند و مقاوم ادغام کند و به

تقویت بازدارندگی نرم، چابکی نهادی، هوشیاری ادراکی و تاب‌آوری اجتماعی کشور بینجامد.

پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از روش تحلیل ساختاری (MICMAC) و تکنیک دلفی، متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر امنیت ملی را شناسایی و با بازطراحی روابط نهادی، شناختی و مردمی، الگویی مفهومی–کاربردی برای مقابله مؤثر با تهدیدات ترکیبی در جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در سال‌های اخیر، تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران از ساختارهای کلاسیک نظامی فراتر رفته و به‌سوی الگوهای ترکیبی، چندلایه و شناخت‌محور تغییر جهت داده‌اند. این تهدیدات که به‌صورت هم‌زمان در سطوح فیزیکی، سایبری، اطلاعاتی، رسانه‌ای و اجتماعی بروز می‌یابند، امنیت ملی را نه‌تنها از بیرون، بلکه از درون جامعه، از طریق اختلال در ادراک عمومی، بی‌ثبات‌سازی ذهنی، و تضعیف انسجام اجتماعی، مورد هدف قرار می‌دهند (Hoffman, 2007) نمونه‌های اخیر در درگیری‌های منطقه‌ای، از جمله حملات ترکیبی علیه مراکز حساس کشور در سال ۱٤۰٤، نمایانگر عمق و پیچیدگی این تهدیدات نوظهور هستند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱٤۰٤).

در پاسخ به این شرایط، هرچند برخی نهادهای تصمیم‌ساز به‌صورت پراکنده اقداماتی در حوزه‌های پدافند غیرعامل، سایبری و فرهنگی انجام داده‌اند، اما هیچ دکترین جامع دفاعی–امنیتی که ابعاد مختلف تهدیدات ترکیبی را به‌صورت هماهنگ، ساختاریافته و بومی پوشش دهد، تدوین نشده است (رفیعی‌پور، ۱٤۰۲؛ نصراللهی، ۱٤۰۱). این خلأ، موجب تضعیف فرماندهی راهبردی، ناهماهنگی نهادی، و عدم بهره‌برداری هدفمند از ظرفیت‌های مردمی، رسانه‌ای و شناختی در دفاع ملی شده است.

تحلیل تجارب جهانی در مقابله با جنگ‌های ترکیبی نیز نشان می‌دهد که بازیگرانی مانند رژیم صهیونیستی، ایالات متحده، و حتی کشورهای اروپایی، طی سال‌های اخیر با تمرکز بر توسعه دکترین‌های دفاعی–امنیتی مبتنی بر ادراک و تاب‌آوری اجتماعی، در حال نوسازی عمیق ساختارهای امنیتی خود هستند (Kofman & Rojansky, 2015) در این مدل‌ها، مفاهیمی چون بازدارندگی شناختی، بسیج نرم‌افزاری، عملیات اطلاعاتی هم‌زمان و مشارکت هدفمند مردمی، در کنار ظرفیت‌های سخت‌افزاری، بنیان دفاع ملی را شکل می‌دهند.

نوآوری پژوهش حاضر در این است که تلاش می‌کند برای نخستین‌بار در ادبیات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از روش‌های آینده‌نگر (MICMAC) و دلفی، منظومه‌ای از متغیرهای کلیدی تهدید و ظرفیت را شناسایی کرده و بر پایه آن، الگویی بومی، دفاعی-منیتی، شناخت‌محور و چندلایه برای مقابله هماهنگ با تهدیدات ترکیبی طراحی نماید. این الگو بر تلفیق ظرفیت‌های نهادهای امنیتی، رسانه‌ای، فناورانه و مردمی در قالب یک ساختار انعطاف‌پذیر و چابک تأکید دارد.

در شرایطی که تهدیدات ترکیبی در حال تبدیل‌شدن به الگوی غالب جنگ‌های آینده در سطح منطقه و جهان هستند، فقدان چنین الگویی می‌تواند منجر به ضعف مزمن در ساختار دفاعی-امنیتی ایران گردد. لذا تدوین این مدل، نه‌فقط یک اقدام نظری، بلکه یک ضرورت راهبردی فوری برای بقاء امنیت ملی و ارتقاء بازدارندگی ادراکی-ساختاری کشور محسوب می‌شود.

هدف اصلی تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، طراحی دکترین دفاعی-امنیتی نوین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات ترکیبی است؛ دکترینی که بر پایه تحلیل ساختاری و آینده‌نگر، به ارائه‌ی منظومه‌ای هوشمند، یکپارچه و چندلایه برای ساختار امنیت ملی می‌انجامد و با تلفیق ظرفیت‌های نظامی، سایبری، رسانه‌ای، ادراکی و مردمی، زمینه ارتقاء تاب‌آوری ملی، انسجام نهادی و بازدارندگی شناختی کشور را فراهم می‌سازد.

اهداف فرعی تحقیق

- شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تهدیدات ترکیبی (فیزیکی، سایبری، رسانه‌ای، شناختی) با تمرکز بر الگوی تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران.
- تحلیل ضعف‌ها و شکاف‌های موجود در ساختار فعلی امنیت ملی کشور در پاسخ به تهدیدات چنددامنه‌ای و شناخت‌محور.
- استخراج و اولویت‌بندی متغیرهای کلیدی و پیشران‌های تأثیرگذار در طراحی دکترین دفاعی-امنیتی نوین با بهره‌گیری از روش MICMAC و تکنیک دلفی.
- تبیین نقش تاب‌آوری شناختی، انسجام نهادی و مشارکت مردمی به‌عنوان عناصر اصلی منظومه هوشمند و یکپارچه امنیت ملی.

- ارائه چارچوب مفهومی و ساختاری دکترین پیشنهادی با هدف مقابله هماهنگ، منعطف و آینده‌نگر با تهدیدات ترکیبی.
- ارزیابی قابلیت اجرایی و کاربردی الگوی پیشنهادی در فرآیند سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی و هماهنگی نهادهای دفاعی-امنیتی کشور.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

دکترین دفاعی امنیتی نوین جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات ترکیبی چه ویژگی‌ها، ساختارها و الزامات مفهومی، نهادی و عملیاتی باید داشته باشد تا زمینه‌ساز طراحی و تحقق یک منظومه هوشمند، یکپارچه و چندلایه در امنیت ملی کشور گردد؟

سؤالات فرعی

- تهدیدات ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران چه ابعاد، ویژگی‌ها و روندهای نوظهوری دارند؟
- ساختار فعلی امنیت ملی کشور با چه گسست‌ها، ضعف‌ها یا چالش‌هایی در برابر تهدیدات چنددامنه‌ای مواجه است؟
- مهم‌ترین متغیرهای کلیدی و پیشران‌های مؤثر در طراحی یک دکترین بومی دفاعی-امنیتی چه هستند؟
- نقش تاب‌آوری شناختی، مشارکت مردمی و انسجام نهادی در ارتقاء امنیت ملی در برابر جنگ‌های ترکیبی چیست؟
- چارچوب مفهومی و ساختاری دکترین پیشنهادی چگونه باید طراحی شود تا قابلیت انطباق با شرایط آینده و سناریوهای تهدید را داشته باشد؟
- الگوی پیشنهادی دکترین تا چه میزان با الزامات اجرایی، نهادی و راهبردی کشور در سیاست‌گذاری امنیتی هم‌راستا و قابل پیاده‌سازی است؟

ادبیات و چارچوب نظری و مفهومی تحقیق

تحقیق حاضر بر پایه تحولی بنیادین در ادبیات امنیت ملی استوار است؛ تحولی که در آن، رویکردهای کلاسیک مبتنی بر بازدارندگی نظامی، جای خود را به چارچوب‌هایی چندسطحی،

ترکیبی و شناخت‌محور داده‌اند. تهدیدات نوظهور امروزی، به‌ویژه در قالب جنگ ترکیبی، تنها با ابزار نظامی مواجهه‌پذیر نیستند، بلکه ماهیت آن‌ها، فراتر از فیزیک نبرد، به ذهن، ادراک، روایت و ساختار اجتماعی کشیده شده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز با اشاره به این تحولات تصریح کرده‌اند که «امروز میدان جنگ، میدان شناخت‌هاست؛ اگر دشمن موفق شود واقعیت را وارونه القا کند، شما را خلع سلاح کرده است (khamenei.ir ۱۴۰۲/۰۷/۱۲) همچنین در جای دیگر تأکید فرموده‌اند که «دشمن جنگ ترکیبی را در پیش گرفته است؛ جنگی همه‌جانبه اما شکست‌پذیر با ایمان، تدبیر و آمادگی (khamenei.ir ۱۴۰۱/۰۳/۱۴) این بیانات، بنیان گفتمان بومی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات ترکیبی را تشکیل می‌دهند.

در چارچوب نظری این پژوهش، سه حوزه نظری اصلی مورد استفاده قرار گرفته است:

نخست، نظریه «کپنهاگی امنیت» (Buzan et al., 1998) که با عبور از رویکردهای رئالیستی، امنیت را نه‌فقط در بعد نظامی، بلکه در ابعاد سیاسی، اجتماعی، روانی و فرهنگی تعریف می‌کند. این نظریه، چارچوبی مفهومی برای درک ابعاد چندگانه تهدیدات ترکیبی در سطح ملی فراهم می‌سازد.

دوم، نظریه «جنگ شناختی» (Cognitive Warfare) که امنیت را به میدان ادراکات و ذهن‌ها منتقل می‌کند و تهدید را نه به‌عنوان تهاجم فیزیکی، بلکه به‌مثابه فرسایش تدریجی انسجام روانی و فروپاشی روایت‌های جمعی تفسیر می‌نماید (NATO Innovation Hub, 2021). این نظریه به‌ویژه در تحلیل عملیات رسانه‌ای، جنگ ادراکی و پدافند شناختی در سطح جامعه مؤثر است.

سوم، نظریه «سیستم‌های تطبیقی پیچیده» (CAS) که بر این فرض استوار است که امنیت یک محصول ایستا نیست، بلکه خروجی دینامیک سیستم‌هایی است که با هم‌افزایی، واکنش سریع، انطباق‌پذیری و ساختار غیرمتمرکز، می‌توانند با تهدیدات پیچیده مقابله کنند (Godet, 2006). این دیدگاه مبنای نظری طراحی «منظومه هوشمند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» را فراهم می‌سازد.

بر مبنای این نظریات، چارچوب مفهومی تحقیق طراحی شده که در آن، مفاهیمی چون تهدیدات ترکیبی، تاب‌آوری ادراکی، روایت‌سازی، فرماندهی چابک، مشارکت مردمی و انسجام نهادی، به‌صورت شبکه‌ای و میان‌سازمانی در قالب چهار سطح عملکردی بازآرایی می‌شوند: سطح پیشران (فرماندهی و هشدار)، سطح پیوندی (روایت، سایبر، چابکی)، سطح پیامدی (اعتماد، مشارکت، انسجام) و سطح نهادی (نوآوری، تحلیل داده، شبکه پاسخ). این منظومه مفهومی، مبتنی

بر منطق سیستمی و ادراکی، می‌کوشد دکترین دفاعی امنیتی نوینی بـرای جمهـوری اسـلامی ایـران طراحی کند که با الزامات جنگ ترکیبی سازگار باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع، در زمره پژوهش‌های کاربردی–تحلیلی و از منظر روش، مبتنـی بـر رویکرد کیفی با تکنیک آینده‌پژوهی ساختاری **(**Structural Foresight**)** است. هدف آن، طراحـی الگویی بومی برای بازسازی دکترین دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مواجهـه بـا تهدیـدات ترکیبی است. برای تحقق این هدف، از ترکیب سه روش مکمل استفاده شده است**:**

۱ .تحلیل اسنادی–گفتمانی

در گام نخست، برای تدوین بنیادهای مفهومی دکترین پیشنهادی، مجموعه‌ای از اسناد بالادسـتی از جمله سند راهبرد دفاعی کشور، سیاست‌های کلی امنیت ملـی، و بیانـات راهبـردی مقـام معظـم رهبری درباره جنگ ترکیبی و امنیت ادراکی مورد تحلیل قرار گرفت. ایـن تحلیـل مبنـای اسـتخراج متغیرهای گفتمانی کلیدی چون بازدارندگی شـناختی، مشـارکت مردمـی و روایت‌سـازی را فـراهم ساخت و به هم‌راستایی دکترین پیشنهادی با ساختار ارزشی جمهوری اسلامی ایران انجامید.

۲ .روش دلفی ساختاریافته (دو راندی)

در مرحله دوم، برای اعتبارسنجی مفهومی و غربال متغیرهای اولیه، از روش دلفـی بـا مشـارکت ۷ نفر از خبرگان حوزه‌های امنیت ملی، سایبری، دفاع راهبردی و آینـده‌پژوهی اسـتفاده شـد. معیـار انتخاب خبرگان شامل سابقه اجرایی/علمی در سطح راهبردی، آشـنایی بـا دکتـرین امنیتـی، و تـوان تحلیل سیستمی بود.

- راند اول: فهرستی ۲۵ موردی از متغیرها استخراج و به رأی‌گذاری گذاشته شد.
- راند دوم: بر اسـاس سـه شـاخص «اهمیـت راهبـردی»، «وضـوح مفهـومی» و «قابلیـت سنجش»، ۱۵ متغیر با ضریب توافق $\kappa = 0.83$ تأیید شدند.

۳ .تحلیل ساختاری(MICMAC)

در مرحله سوم، برای تحلیل روابط علی–تأثیری میان متغیرهـای منتخـب و تعیـین جایگـاه هـر یک در ساختار دکترین پیشنهادی، از **روش** MICMAC استفاده شـد. یـک مـاتریس تأثیرگـذاری مستقیم **(**DIM**)** با مقیاس چهارسطحی (۰ تا ۳) میان ۱۵ متغیر نهایی‌شـده طراحـی گردیـد. سـپس

متغیرها بر اساس شاخص‌های «قدرت تأثیرگذاری» و «درجه وابستگی» در چهـار ناحیـه راهبـردی، پیوندی، وابسته و مستقل طبقه‌بندی شدند

مراحل اجرایی پژوهش:

شرح	مرحله
بیانات رهبری، اسناد دفاعی امنیتی، سیاست‌های کلی	تحلیل اسناد
بر اساس ادبیات نظری و گفتمانی، ۲۵ متغیر اولیه	استخراج متغیرها
دو راند دلفی برای انتخاب ۱۵ متغیر کلیدی	دلفی
تحلیل و دسته‌بندی متغیرها در چهار ناحیه سیستمی	**MICMAC**
ترسیم منظومه چهارسطحی امنیت ملی بر پایه نتایج	طراحی مدل

پاسخ‌دهی به سؤالات تحقیق:

روش‌شناسی فوق به‌صورت مستقیم به سؤالات زیر پاسخ می‌دهد:

- سؤالات ۱ و ۲ ← از طریق تحلیل اسناد و ادبیات نظری (شناسایی تهدیدات و شکاف‌ها)
- سؤال ۳ ← از طریق دلفی (استخراج متغیرهای کلیدی)
- سؤال ٤ ← از طریق ترکیب تحلیل گفتمان و MICMAC جایگاه تاب‌آوری، مشـارکت و روایت
- سؤال ٥ ← از طریق تحلیل MICMAC طراحی ساختاری دکترین
- سؤال ٦ ← از طریق هم‌سنجی نتایج با الزامات نهادی–اجرایی در اسناد بالادستی

مراحل اجرایی پژوهش

استخراج اولیه متغیرها:

بر اساس تحلیل اسناد بالادستی (سند راهبرد دفاعی کشور، سیاست‌های کلی امنیتی) و مرور ادبیـات نظری داخلی و خارجی در حوزه امنیت ترکیبی، فهرستی متشکل از ۲۵ متغیر اولیه تهیه شد.

اعتبارسنجی مفهومی متغیرها با روش دلفی:

برای پالایش این متغیرها، از روش دلفی دو راندی استفاده گردید.

جامعه آماری دلفی:

شامل ۷ نفر از خبرگان ملی حوزه‌های امنیت ملی، دفاع سایبری، آینده‌پژوهی راهبردی و فرماندهی ترکیبی بود که معیارهای زیر را دارا بودند:

سابقه علمی یا اجرایی حداقل ۵ سال در حوزه راهبردی

حداقل یک اثر علمی در حوزه امنیت یا دکترین دفاعی

آشنایی با تهدیدات نوین و ساختارهای تحلیل سیستمی

ترکیب نهادی خبرگان:

تعدادی از اعضای محترم هیئت علمی دانشگاه‌های دفاعی، تعدادی از پژوهشگران از مراکز مطالعات راهبردی، و تعدادی از کارشناس ارشد عملیاتی و میدانی در سطح نیروهای مسلح

ساختار و اجرای راندهای دلفی

ویژگی	راند اول	راند دوم
تعداد متغیرها	۲۵	۱۷ پس از غربال اولیه
ابزار گردآوری	پرسشنامه ساخت‌یافته با طیف لیکرت ۵ درجه	فرم اصلاح‌شده بر اساس نتایج آماری
شاخص‌های ارزیابی متغیرها	اهمیت راهبردی، وضوح مفهومی، قابلیت سنجش	همان با اصلاح میانگین و بازخورد
ضریب توافق (کاپا)	محاسبه نشده در راند اول	توافق قوی $\kappa = 0.83$
نرخ بازگشت پاسخ‌ها	٪۱۰۰	٪۱۰۰

نتایج آماری دلفی

جدول ۱: شاخص‌های آماری راند دوم دلفی

متغیر	میانگین امتیاز	انحراف معیار	وضعیت نهایی
یکپارچگی فرماندهی	٤,٨٦	۰,۳۸	تأیید شد
سامانه هشدار سریع	٤,۷۱	۰,٤٥	تأیید شد
بازدارندگی سایبری	٤,٦٨	۰,۵۲	تأیید شد

متغیر	میانگین امتیاز	انحراف معیار	وضعیت نهایی
امنیت شناختی و روایت‌سازی	٤,٥٩	۰,٦٢	تأیید شد
دفاع در عمق و پدافند لایه‌ای	٤,٣٤	۰,٧٥	تأیید شد
مشارکت مردمی در امنیت	٤,٢٣	۰,٧١	تأیید شد
چابکی فرماندهی و تصمیم‌گیری لحظه‌ای	٤,١١	۰,٨٢	تأیید شد
انسجام زیرساخت ارتباطی	٤,٠٠	۰,٨٩	تأیید شد

نکته **:**سایر متغیرهایی که امتیاز **3.8** >و انحراف معیار **1.0** <داشتند، در راند دوم حذف شدند**.**

تحلیل ساختاری با روشMICMAC

پس از تعیین نهایی ۱۵ متغیر کلیدی، از روش MICMAC برای تحلیل تأثیرات متقابل میان آن‌ها استفاده شد. ساخت ماتریس اثرگذاری مستقیم **(**Direct Influence Matrix**)** با مقیاس چهارگانه (۰: بدون تأثیر، ۱: ضعیف، ۲: متوسط، ۳: قوی) انجام گرفت**.**

سپس متغیرها بر اساس مجموع سطرها و ستون‌های ماتریس به چهار دسته زیر تقسیم شدند:

متغیرهای راهبردی (محرک‌های کلیدی) **:**دارای بیشترین تأثیرگذاری و کمترین وابستگی

متغیرهای وابسته **:**متأثر از سایر متغیرها با نقش پیامدی

متغیرهای پیوندی **:**دارای نوسان بالا؛ هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر

متغیرهای مستقل **:**بدون نقش مؤثر در سیستم (حذف یا نادیده گرفته شدند)

تحلیل یافته‌ها با استفاده از روشMICMAC

به‌منظور تحلیل ساختار سیستمی متغیرهای مؤثر در طراحی دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات ترکیبی، از روش تحلیل ساختاری MICMAC استفاده شد. این روش قابلیت شناسایی و طبقه‌بندی متغیرها را بر اساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها فراهم می‌سازد و امکان ترسیم معماری مفهومی یک سیستم پیچیده را ایجاد می‌کند**.(**Godet, 2006**)**

ساخت ماتریس تأثیرگذاری متقابل

برای ۱۵ متغیر کلیدی نهایی‌شده (بر اساس روش دلفی)، یک ماتریس اثرگذاری مستقیم با ابعاد ۱۵×۱۵ طراحی شد. شدت تأثیر هر متغیر بر سایر متغیرها با استفاده از مقیاس چهار سطحی به شرح زیر تعیین گردید**:**

تفسیر تأثیر	کد
فاقد اثر	۰
تأثیر ضعیف	۲
تأثیر متوسط	۲
تأثیر قوی	۳

تکمیل ماتریس با مشارکت تیم پژوهشگران و اجماع با خبرگان صورت گرفت. خروجی این مرحله، یک ماتریس متراکم با ۲۲۵ رابطه بالقوه بود که برای پردازش در مدل MICMAC استفاده شد.

استخراج شاخص‌های ساختاری

برای هر متغیر، دو شاخص اصلی به‌صورت کمی استخراج شد:

قدرت تأثیرگذاری **:(**Driving Power**)** مجموع تأثیر متغیر بر سایر متغیرها

درجه وابستگی **:(**Dependence**)** مجموع تأثیر سایر متغیرها بر متغیر موردنظر

این شاخص‌ها، مبنای طبقه‌بندی متغیرها در فضای دوبعدی سیستم شدند.

دسته‌بندی متغیرها در چهار ناحیه عملکردی

نقش در معماری دکترین	تعریف ساختاری	ناحیه
پیشران سیستم	تأثیرگذاری بالا، وابستگی کم	راهبردی **(Driver)**
ناپایدار و بحرانی	تأثیرگذاری بالا، وابستگی بالا	پیوندی **(Linkage)**
پیامد سیستم	تأثیرگذاری کم، وابستگی بالا	وابسته **(Dependent)**
متغیر حاشیه‌ای	تأثیرگذاری و وابستگی پایین	مستقل **(Autonomous)**

جدول دسته‌بندی متغیرها

تفسیر عملکردی	ناحیه	وابستگی	قدرت تأثیر	متغیر
پیشران اصلی انسجام تصمیم‌گیری ملی	راهبردی	۱۲	۳٤	یکپارچگی فرماندهی
شرط پیش‌نگری و واکنش اولیه	راهبردی	۱٤	۳۱	سامانه هشدار سریع
ستون دفاع چندلایه	راهبردی	۱۷	۲۸	پدافند در عمق

تفسیر عملکردی	ناحیه	وابستگی	قدرت تأثیر	متغیر
ناحیه آسیب‌پذیر حساس به اختلال	پیوندی	۱۹	۲۷	بازدارندگی سایبری
خط مقدم جنگ ادراکی	پیوندی	۲۰	۲۶	روایت‌سازی شناختی
نقطه فشار سیستم واکنش سریع	پیوندی	۲۱	۲۴	چابکی فرماندهی و واکنش
گلوگاه حیاتی شبکه دفاعی	پیوندی	۲۲	۲۳	انسجام زیرساخت‌های ارتباطی
حاصل کارکرد مطلوب منظومه	وابسته	۲۸	۲۰	مشارکت مردمی در امنیت
سرمایه روانی نظام	وابسته	۲۶	۱۸	اعتماد عمومی
نقشی غیرفعال در کوتاه‌مدت	مستقل	۱۴	۱۵	انعطاف نهادی

تحلیل نتایج

متغیرهای راهبردی به‌مثابه موتورهای پیشران امنیت ملی هستند. تضعیف هر یک از این متغیرها، کل ساختار را در معرض فروپاشی سریع قرار می‌دهد. در شرایط تهدید ترکیبی، ضعف در «هشدار سریع» یا «فرماندهی منسجم»، نه‌تنها باعث کندی واکنش، بلکه منجر به گسترش تأثیرات تخریبی در سایر لایه‌ها می‌شود.

متغیرهای پیوندی با ماهیت دوگانه خود، در عین تأثیرگذاری بالا، به‌شدت از سایر اجزا تأثیر می‌پذیرند. این متغیرها مانند «بازدارندگی سایبری» یا «امنیت شناختی» اگر از کنترل خارج شوند، موجب ناپایداری زنجیره‌ای در ساختار ملی خواهند شد. در مهندسی ساختار دفاعی، این دسته باید تحت مراقبت خاص، تقویت تاب‌آوری، و کنترل تعاملات قرار گیرند.

متغیرهای وابسته مانند مشارکت مردمی و اعتماد عمومی، با آن‌که برای مشروعیت بلندمدت نظام حیاتی‌اند، اما خود معلول کارکرد مؤثر سایر لایه‌ها هستند. این متغیرها نقش شاخص عملکرد دکترین دفاعی را دارند.

متغیر مستقل (انعطاف نهادی) گرچه در شرایط حاد نقش مهمی ندارد، اما در بلندمدت می‌تواند زیرساخت تطبیق‌پذیری سیاست امنیت ملی را فراهم سازد.

نتیجه‌گیری تحلیلی

یافته‌های MICMAC نشان می‌دهند که ساختار امنیت ملی در مواجهه با تهدیدات ترکیبی باید:

بر پیشران‌هایی مانند یکپارچگی فرماندهی، هشدار سریع و دفاع لایه‌ای استوار باشد؛
متغیرهای پیوندی را از طریق هماهنگی نهادی و بازدارندگی شناختی تثبیت کند؛
خروجی‌هایی مانند مشارکت مردمی را به‌عنوان شاخص کارآمدی کل ساختار مدنظر قرار دهد.

این تحلیل، منطق سیستمی طراحی «منظومه دکترین دفاعی پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران» را فراهم می‌سازد.

طراحی مفهومی منظومه امنیت ملی هوشمند و یکپارچه جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات ترکیبی

در پی تحلیل ساختاری داده‌ها با استفاده از روش MICMAC و دسته‌بندی متغیرها بر اساس جایگاه سیستمی، روشن شد که جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه مؤثر با تهدیدات ترکیبی نیازمند گذار از دکترین‌های سنتی و خطی به سمت یک معماری دفاعی چندساحتی، سیستمی، و تطبیقی است؛ معماری‌ای که قابلیت درک هم‌زمان، واکنش چندلایه، و بازدارندگی ادراکی و فیزیکی را دارا باشد.

بر اساس این تحلیل، «امنیت ملی» نه‌فقط یک وضعیت نهایی یا محصول تصمیم‌گیری بالادستی، بلکه حاصل یک فرآیند پویا، شبکه‌ای و هماهنگ در سطوح مختلف حاکمیتی و اجتماعی است؛ فرآیندی که باید بتواند از شناخت تهدید تا خنثی‌سازی آن در سطوح مختلف (فیزیکی، سایبری، روانی، اجتماعی و اداری) عمل کند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق حاضر که بر اساس روش تحلیل ساختاری **(MICMAC)** و تلفیق آن با تحلیل محتوای اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و بیانات راهبردی رهبری به‌دست آمده، به ترسیم اجزای اصلی دکترین دفاعی–امنیتی نوین ایران در برابر تهدیدات ترکیبی می‌پردازد. این یافته‌ها در سه سطح متغیرهای کلیدی مؤثر بر دکترین، نقاط آسیب‌پذیر در مواجهه با تهدیدات ترکیبی، و مؤلفه‌های ساخت منظومه دفاعی–امنیتی یکپارچه و هوشمند تنظیم شده‌اند.

۱ .متغیرهای کلیدی و پیشران‌های اصلی

تحلیل MICMAC نشان داد که از میان مجموعه‌ای از بیش از ۳۰ متغیر شناسایی‌شده، متغیرهای زیر بیشترین قدرت تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم را در ساخت دکترین دفاعی نوین دارند:

- یکپارچگی ساختار فرماندهی و تصمیم‌گیری امنیت ملی

- قابلیت‌های سایبری بومی و سامانه‌های هشدار سریع
- شبکه مردمی مقاومت و مشارکت ملی در دفاع ترکیبی
- ظرفیت‌های هوشمندسازی و استفاده از هوش مصنوعی در امنیت داخلی
- منطق تهدیدشناسی ترکیبی مبتنی بر شناخت، فریب و نفوذ لایه‌مند
- توان بازدارندگی نامتقارن در محیط منطقه‌ای

این متغیرها نه‌تنها در اسناد رسمی مانند سند چشم‌انداز، راهبردهای کلان دفاعی، و سیاست‌های کلی نظام یافت می‌شوند، بلکه با تأکید مقام معظم رهبری بر هوشمندسازی امنیت و تمرکز بر جنگ‌های ترکیبی نیز هم‌راستا هستند (بیانات رهبری، ۱۴۰۳؛khamenei.ir)

۲ .آسیب‌پذیری‌های راهبردی در برابر تهدیدات ترکیبی

مطالعه اسنادی، شبیه‌سازی سناریوها، و مصاحبه با نخبگان نشان داد که مهم‌ترین خلأها و آسیب‌پذیری‌های کنونی در این عرصه عبارتند از:

- نبود سازوکار یکپارچه برای هماهنگی بین نهادهای نظامی، امنیتی و رسانه‌ای
- ضعف در تربیت نخبگان امنیت شناختی و سایبری در سطوح راهبردی
- فقدان زیرساخت‌های هم‌افزا برای مقابله همزمان با تهدیدات چندلایه (فیزیکی–شناختی–سایبری)
- وابستگی بخشی از سامانه‌های حیاتی به فناوری‌های خارجی
- ناکارآمدی در مدل‌سازی و پیش‌بینی تهدیدات با رویکرد ترکیبی

۳ .عناصر اصلی منظومه دفاعی–امنیتی نوین

یافته‌ها حاکی از آن است که طراحی یک منظومه دفاعی–امنیتی هوشمند و یکپارچه باید بر اساس مؤلفه‌های زیر انجام شود:

- سازمان فرماندهی ترکیبی **(Joint Command Structure)** با قابلیت تحلیل سریع تهدیدات هم‌زمان
- سامانه جامع هشدار زودهنگام چندلایه برای مقابله با تهدیدات فیزیکی، سایبری و شناختی
- نقشه جامع امنیت ملی مبتنی بر پایگاه‌های داده در زمان واقعی **(Real-Time Data Integration)**
- مشارکت فعال شبکه مقاومت و نیروهای مردمی در ساختار دفاع ترکیبی
- هوشمندسازی دفاع سایبری با بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین و شناسایی

تهدیدات شناختی

- تمرکز بر آموزش نخبگان امنیتی با محوریت آینده‌پژوهی تهدیدات و تلفیق داده‌ها

⊂ این ساختار پیشنهادی، با تدابیر امام خمینی مبنی بر نقش مردم در حفظ نظام (صحیفه امام، ج۲۱، ص۱۵۹) و فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی با اقتدار هوشمند دفاعی khamenei.ir ، ۱۰/۰۷/۱۳۹۸ مطابقت دارد و می‌تواند زمینه‌ساز بازدارندگی ترکیبی در برابر دشمنان گردد.

طراحی منظومه هوشمند و یکپارچه امنیت ملی

طراحی این منظومه بر پایه مفاهیم نظری زیر استوار است:

- منطق سیستم‌های تطبیقی پیچیده(CAS): که در آن، اجزای مستقل، با قوانین ساده و تعامل پویا، می‌توانند الگوهای کلان و هدفمند ایجاد کنند. امنیت نیز در این ساختار نه از طریق کنترل متمرکز، بلکه از طریق هم‌آرایی پویا و واکنش جمعی سیستم حاصل می‌شود.
- الگوی امنیت ترکیبی(Hybrid Security): امنیت باید نه‌تنها در سطح فیزیکی، بلکه در حوزه‌های اطلاعاتی، روانی، نهادی و ادراکی تولید و دفاع شود.
- منطق بازدارندگی فعال و چندساحتی: بازدارندگی نه‌فقط تهدید متقابل در حوزه نظامی، بلکه ایجاد هزینه در میدان سایبری، شناختی، رسانه‌ای و دیپلماتیک برای دشمن است.

ساختار چهارسطحی منظومه امنیت ملی

منظومه امنیتی پیشنهادی متشکل از چهار سطح درهم‌تنیده است که هر یک دارای منطق عملکرد خاص خود است ولی در تعامل ساختاری، نظام امنیتی کشور را بازتولید می‌کنند:

- سطح ۱: لایه پیشران(Strategic Core)

متغیرها:

یکپارچگی فرماندهی

سامانه هشدار سریع

پدافند در عمق

نقش :این سطح مسئول آغاز واکنش سیستمی و شکل‌دهی اولیه به زنجیره دفاعی است. ضعف در این سطح منجر به اختلال کل ساختار می‌شود. فرماندهی راهبردی، زیرساخت ارتباطات

اضطراری، و سیستم‌های پیش‌بینی تهدید باید در این سطح تقویت شوند.

- سطح ۲: لایه پیوندی(Critical Coupling Layer)

متغیرها:

بازدارندگی سایبری

چابکی فرماندهی

روایت‌سازی ادراکی

انسجام زیرساخت اطلاعاتی امنیتی

نقش: این سطح محل انتقال داده، مدیریت بحران، هدایت جنگ رسانه‌ای و عملیات سایبری است. به دلیل وابستگی متقابل و حساسیت بالا، این لایه بیشترین سهم را در ناپایداری سیستم دارد. از منظر حکمرانی، این سطح باید با مرکز کنترل‌های منعطف و سریع و هماهنگی میان نهادهای اطلاعاتی، رسانه‌ای و دفاعی حمایت شود.

- سطح ۳: لایه **پیامدی**(Systemic Output Layer)

متغیرها:

مشارکت مردمی

اعتماد عمومی

انسجام ملی

نقش: این سطح نه تولیدکننده امنیت، بلکه شاخصی برای ارزیابی اثربخشی لایه‌های بالاتر است. هرگونه ضعف در این سطح، نشانگر اختلال در لایه‌های راهبردی و پیوندی است. حفاظت از این متغیرها از طریق تقویت روایت رسمی، شفافیت ارتباطی، مقابله با جنگ ادراکی و کاهش شکاف ادراکی بین مردم و حاکمیت ممکن است.

- سطح ٤: لایه تسهیل‌گر(Enabling Layer)

متغیرها:

انعطاف نهادی

ظرفیت شبکه‌ای پاسخ

زیرساخت پشتیبان تصمیم‌سازی

نقش :این لایه به‌عنوان پشتیبان ساختاری عمل می‌کند و امکان شکل‌گیری ساختارهای جدید

دفاعی و امنیتی را در شرایط تهدیدات نوپدید فراهم می‌سازد. این سطح معمولاً در کوتاه‌مدت کم‌اثر، اما در شرایط تغییر ماهیت تهدید بسیار حیاتی است.

فرماندهی در منظومه: تمرکز هم‌راستا

در مدل پیشنهادی، فرماندهی نه متمرکز سنتی است، نه واگذارشده کامل. بلکه از الگوی فرماندهی هم‌راستا با مأموریت چندسطحی (Multi-Level Mission-Oriented Alignment) تبعیت می‌کند. ساختارهای راهبردی تصمیم‌سازی (در سطح شورای عالی امنیت ملی)، فرماندهی میانی (در سطح قرارگاه‌های عملیاتی ترکیبی)، و شبکه‌های پاسخ محلی (در سطح امنیت شهری/اداری) به‌صورت لایه‌به‌لایه و هماهنگ عمل می‌کنند.

نقش روایت و امنیت شناختی

براساس یافته‌هایMICMAC، متغیرهای «روایت‌سازی»، «ادراک تهدید»، و «امنیت شناختی» در قلب ساختار پیوندی قرار دارند. لذا این مدل بر وجود قرارگاه جنگ شناختی و ادراکی در ساختار منظومه تأکید دارد. هدف از آن، هماهنگی میان دستگاه‌های رسانه‌ای، سازمان تبلیغات، صداوسیما، بسیج اجتماعی و فضای مجازی در تولید، دفاع و تثبیت روایت‌های ملی و مقابله با روایت‌های خصمانه است.

انسجام با تدابیر رسمی

ساختار پیشنهادی منطبق با بیانات رهبر انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر است که بر چند اصل متمرکز بوده‌اند:

- آمادگی همه‌جانبه در برابر جنگ ترکیبی
- ضرورت تقویت بازدارندگی نرم و پاسخ شناختی سریع
- فرماندهی چابک و در لحظه (Khamenei.ir,۱۴۰۲/۱۴۰۱)

جمع بندی

تحلیل ساختاری داده‌ها با روش MICMAC نشان داد که امنیت ملی در مواجهه با تهدیدات ترکیبی، نیازمند معماری‌ای فراتر از دکترین‌های سنتی است. تهدیدات امروزی در سه سطح فیزیکی، سایبری و شناختی به‌صورت هم‌زمان و ترکیبی فعال می‌شوند؛ بنابراین، دفاع مؤثر در برابر آن‌ها مستلزم طراحی یک منظومه امنیت ملی چندلایه، هوشمند، و یکپارچه است که بتواند با حفظ انسجام

راهبردی، از قابلیت واکنش در لایه‌های میانی و از مقبولیت در سطح اجتماعی برخوردار باشد.

- سطح اول: هسته سخت و پیشران امنیتStrategic Core Layer

وظیفه :تولید واکنش راهبردی، انسجام فرماندهی، ایجاد قدرت تصمیم‌سازی سریع

نهادهای مسئول: شورای‌عالی امنیت ملی، ستاد کل نیروهای مسلح، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا

مؤلفه‌ها:

یکپارچگی فرماندهی: طراحی ساختار هماهنگ میان نهادهای نظامی، امنیتی، انتظامی و اطلاعاتی

سامانه هشدار سریع: رصد هم‌زمان تهدید در سه بُعد فیزیکی، سایبری و شناختی

پدافند در عمق: توسعه ساختارهای دفاع لایه‌ای، از مرزهای جغرافیایی تا بستر اجتماعی

کارکردها:

برتری اطلاعاتی پیش از تهاجم

انسجام عملکرد در لحظات بحرانی

فعال‌سازی سامانه امنیت ملی در کوتاه‌ترین زمان ممکن

- سطح دوم: لایه پیوندی و حساسCritical Operational Layer

وظیفه: مهار تهدید فعال، فرماندهی واکنش میانی، تسلط بر روایت و میدان شناختی

نهادهای مسئول: سازمان پدافند غیرعامل، صدا و سیما، وزارت اطلاعات، سازمان فضای مجازی سراج

مؤلفه‌ها:

بازدارندگی سایبری: طراحی ساختار دفاعی–تهاجمی در میدان دیجیتال

چابکی فرماندهی: تصمیم‌سازی در شرایط قطع سیستم‌های کلاسیک

روایت‌سازی ادراکی: ایجاد همگرایی گفتمانی و جلوگیری از سلطه روایت دشمن

انسجام زیرساخت ارتباطی–تحلیلی: ایجاد شبکه یکپارچه میان اطلاعات، تحلیل و تصمیم

کارکردها:

مدیریت سریع تهدیدهای شناختی، دیجیتال و هیبریدی

حفظ ثبات فرماندهی در شرایط بحران

مقابله با فروپاشی روانی ناشی از عملیات دشمن

- سطح سوم: لایه پیامدی و بازخوردیSocial Feedback Layer

وظیفه: تثبیت مشروعیت امنیتی، افزایش مشارکت اجتماعی، ارتقاء تاب‌آوری شناختی

نهادهای مسئول: بسیج، وزارت کشور، نهادهای فرهنگی اجتماعی، آموزش‌وپرورش، دانشگاه‌ها

مؤلفه‌ها:

مشارکت مردمی در امنیت: توسعه شبکه‌های داوطلبانه، محلی و فرهنگی در حوزه هشدار و امداد

اعتماد عمومی: ارتقاء شفافیت امنیتی و کاهش شکاف میان نهاد امنیتی و جامعه

انسجام ملی: بازتولید احساس تعلق جمعی و مقابله با قطبی‌سازی در فضای رسانه‌ای

کارکردها:

تثبیت بازدارندگی از طریق همراهی اجتماعی

کاهش هزینه مقابله با تهدید

ارتقاء مقاومت عمومی در برابر اختلال ادراکی

- سطح چهارم: لایه نهادی و زیرساختی Enabling and Institutional Layer

وظیفه :ایجاد ظرفیت تطبیق ساختار دفاعی با تهدیدات نوپدید

نهادهای مسئول: مرکز بررسی‌های استراتژیک، مرکز نوآوری دفاعی سپاه، مرکز آینده‌پژوهی دفاعی

مؤلفه‌ها:

انعطاف نهادی: طراحی ساختارهای واکنش سریع به تهدیدات جدید (ریزپرنده‌ها، جنگ بیولوژیک، عملیات ادراکی هم‌زمان)

ظرفیت شبکه‌ای پاسخ: اتصال نهادهای فرهنگی، رسانه‌ای، امنیتی، اقتصادی در قالب ساختار چندبازیگری

تحلیل‌پذیری تصمیمات امنیتی: استفاده از هوش مصنوعی و مدل‌سازی برای آینده‌پژوهی تهدید

کارکردها:

افزایش پایداری ساختار امنیتی

خلق ظرفیت نوآورانه در سطح راهبردی

تبدیل امنیت از وضعیت دفاعی به وضعیت پیش‌نگر

بطور کلی معماری منظومه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باید به‌گونه‌ای طراحی شود که بتواند:

- ❖ در سطح راهبردی، تولیدکننده پاسخ لحظه‌ای و مبتنی بر هشدار پیش‌دستانه باشد؛
- ❖ در سطح عملیاتی، کنترل روایت، میدان سایبر و فضای عملیات ترکیبی را در اختیار بگیرد؛
- ❖ در سطح اجتماعی، مشارکت عمومی، اعتماد و سرمایه روانی را حفظ و تقویت کند؛

❖ در سطح نهادی، امکان بازآفرینی، نوآوری و انطباق مستمر با تهدیدات را فراهم سازد.

امنیت ملی در عصر تهدیدات ترکیبی، دیگر حاصل صرف قابلیت‌های نظامی متعارف نیست، بلکه محصول هم‌افزایی سیستماتیک میان مؤلفه‌های دفاعی، سایبری، ادراکی، اجتماعی و نهادی در یک ساختار هماهنگ، پیش‌نگر و واکنش‌پذیر است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای راهبردی

تحولات شتابان در ماهیت تهدیدات امنیتی در سطح ملی و بین‌المللی، به‌ویژه ظهور و گسترش تهدیدات ترکیبی که ترکیبی از حملات فیزیکی، سایبری، شناختی، اطلاعاتی، اقتصادی و روانی هستند، نظام‌های دفاعی کلاسیک را با چالش‌های بنیادین مواجه ساخته‌اند. در چنین شرایطی، پرسش بنیادین این پژوهش آن است که دکترین دفاعی–امنیتی نوین جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات ترکیبی چه ویژگی‌ها، ساختارها و الزامات مفهومی، نهادی و عملیاتی باید داشته باشد تا زمینه‌ساز طراحی و تحقق یک منظومه هوشمند، یکپارچه و چندلایه در امنیت ملی کشور گردد؟

پاسخ این پرسش در پرتو یافته‌های این تحقیق، به‌ویژه با اتکا به روش تحلیل ساختاری MICMAC و استفاده از خرد جمعی خبرگان حوزه امنیت، نشان می‌دهد که دکترین کارآمد در عصر تهدیدات ترکیبی باید مبتنی بر یک منظومه چهارسطحی چنددامنه‌ای، واکنش‌پذیر، هوشمند، و هم‌راستا با تحولات آینده‌نگر امنیتی باشد؛ منظومه‌ای که نه‌تنها بتواند تهدیدات چندلایه را شناسایی، مهار و خنثی کند، بلکه ظرفیت بازدارندگی ادراکی، اطلاعاتی و فناورانه را نیز در خود پرورش دهد.

در پاسخ به سؤال فرعی نخست، تهدیدات ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران ابعادی فراتر از جنگ سخت دارند و در قالب ترکیبی از عملیات سایبری، تخریب روایت ملی، نفوذ ادراکی، اختلال در فضای مجازی و سوءاستفاده از شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی عمل می‌کنند. روندهای نوظهوری همچون استفاده از هوش مصنوعی در جنگ‌های اطلاعاتی، روایت‌سازی تحریف‌شده، و ایجاد نارضایتی اجتماعی هدفمند، از مهم‌ترین ویژگی‌های این تهدیدات هستند (Rid, 2020; Singer & Brooking, 2018).

در رابطه با سؤال فرعی دوم، ساختار امنیتی فعلی ایران، علی‌رغم دارا بودن توان بازدارندگی نظامی، در برابر تهدیدات چندساحتی، با چالش‌هایی از قبیل عدم وجود سامانه هشدار سریع ترکیبی، ضعف در فرماندهی ادراکی و شناختی، ناهماهنگی میان نهادهای اطلاعاتی–رسانه‌ای، و

فقدان ساختار یکپارچه در روایت‌سازی ملی مواجه است. این شکاف‌ها می‌تواند باعث ازکارافتادن سامانه واکنش سریع در شرایط بحران ترکیبی شود (واعظی و فتاحی، ۱٤۰۲؛ Claverie & du Cluzel, 2021).

در ارتباط با سؤال سوم، یافته‌های حاصل از تحلیل MICMAC حاکی از آن است که متغیرهایی چون یکپارچگی فرماندهی، سامانه هشدار چندلایه، بازدارندگی سایبری، چابکی تصمیم‌سازی، روایت‌سازی شناختی، مشارکت مردمی و انسجام زیرساخت‌های ارتباطی دارای بیشترین قدرت تأثیرگذاری در بازطراحی دکترین امنیت ملی کشور هستند. این متغیرها در مدل پیشنهادی در چهار ناحیه راهبردی، پیوندی، پیامدی و تسهیل‌گر تقسیم‌بندی شده‌اند که هرکدام نقشی خاص در پایداری امنیتی ایفا می‌کنند.(Godet, 2006)

در پاسخ به سؤال چهارم، امنیت پایدار بدون تاب‌آوری شناختی، مشارکت آگاهانه مردم و انسجام نهادی قابل تحقق نیست. امنیت شناختی به‌معنای توانایی ملی در درک تهدید، بازشناسی عملیات ادراکی، و حفظ ثبات روانی جامعه است. این تاب‌آوری، زمانی حاصل می‌شود که نهادهای حکمرانی، رسانه‌ای، علمی و امنیتی، با هم‌افزایی و انسجام کامل، روایت ملی واحد و قدرتمندی تولید کنند. مشارکت مردمی نیز به‌عنوان شاخص نهایی اثربخشی دکترین، عاملی کلیدی در ایجاد بازدارندگی غیرمستقیم تلقی می‌شود(Khamenei.ir, 1401/03/14؛ Paris, 2001)

در خصوص سؤال پنجم، چارچوب مفهومی دکترین پیشنهادی باید مبتنی بر منطق سیستم‌های تطبیقی پیچیده (CAS) باشد؛ بدین‌معنا که امنیت نه از طریق کنترل متمرکز بلکه از طریق هم‌آرایی هوشمند و واکنش سریع ساختارهای چندلایه حاصل می‌شود. مدل چهارسطحی طراحی‌شده در این پژوهش شامل:

۱ .سطح راهبردی (فرماندهی، هشدار، پدافند در عمق)،

۲ .سطح پیوندی (بازدارندگی سایبری، روایت‌سازی، چابکی عملیاتی)،

۳ .سطح پیامدی (مشارکت، اعتماد، انسجام)،

٤ .سطح نهادی (تحلیل داده، آینده‌پژوهی، ظرفیت واکنش نوآورانه) است که با ماهیت تهدیدات آینده کاملاً انطباق دارد.

در پاسخ به سؤال ششم، بررسی تطبیقی مدل پیشنهادی با اسناد بالادستی (ازجمله سند راهبرد ملی دفاعی کشور، سند پدافند غیرعامل، سیاست‌های کلی امنیتی) و تدابیر رهبری، نشان می‌دهد که الگوی ارائه‌شده، از نظر اجرایی، نهادی و سیاست‌گذاری کاملاً هم‌راستا با الزامات کشور است.

تأکیدات رهبری مبنی بر «لزوم فرماندهی چابک»، «مقابله ادراکی»، «جهاد تبیین» و «استفاده از فناوری‌های نوین امنیتی» در سطوح مختلف این مدل مستقر شده‌اند. (khamenei.ir,1402/07/12؛ ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۴۰۰)

پیشنهادهای راهبردی

۱ .تأسیس مرکز فرماندهی ترکیبی چندسطحی

برای یکپارچه‌سازی عملیات میان نهادهای نظامی، امنیتی، رسانه‌ای و اجتماعی، مبتنی بر الگوی فرماندهی هم‌راستا و غیرمتمرکز تطبیقی.(Mission-Oriented Alignment)

۲ .ایجاد قرارگاه بازدارندگی شناختی و روایت‌سازی ملی

با هدف تقویت تاب‌آوری ادراکی، تولید روایت رسمی ملی، مقابله با عملیات شناختی دشمن، و انسجام عملکرد نهادهای فرهنگی، رسانه‌ای و اطلاعاتی کشور.

۳ .تدوین طرح جامع مشارکت مردمی در امنیت ملی

شامل آموزش عمومی در حوزه سواد رسانه‌ای، امنیت سایبری، پدافند غیرعامل، و فعال‌سازی سامانه‌های مردمی هشدار و امداد محله‌محور با استفاده از ظرفیت بسیج.

٤ .راه‌اندازی مرکز ملی تحلیل تهدید ترکیبی و آینده‌پژوهی امنیتی

جهت جمع‌آوری داده‌های راهبردی از حوزه‌های متقاطع (جامعه، سایبر، اقتصاد، رسانه)، تحلیل روندهای تهدید نوین، و ارائه تصمیم‌پشتیبان برای سطوح عالی امنیت ملی، با بهره‌گیری از هوش مصنوعی و مدل‌سازی‌های پیش‌نگر.

۵ .بازتعریف ساختار پدافند غیرعامل به‌مثابه شبکه واکنش چندلایه

با اختیارات عملیاتی در حوزه تصمیم‌سازی و توان پیوند با ساختارهای اجتماعی، رسانه‌ای و مردمی برای واکنش مؤثر به تهدیدات هم‌زمان.

٦ .تدوین نقشه راه امنیت ملی با رویکرد داده‌محور، تطبیقی و چنددامنه‌ای

در راستای تبدیل امنیت از یک وضعیت ایستا و تمرکزگرا به یک فرآیند پویا، منعطف و مشارکت‌محور، با توان پیش‌نگری و تاب‌آوری ادراکی–ساختاری.

تحلیل سیستمی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در این مقاله، نشان داد که تهدیدات ترکیبی معاصر با بهره‌گیری از ترکیب ابزارهای فیزیکی، سایبری، شناختی و ادراکی، در حال تغییر پارادایم امنیت ملی از ساختارهای متمرکز و خطی به مدل‌های شبکه‌ای، چندلایه و نامتقارن هستند.

ساختارهای سنتی تصمیم‌سازی در ایران، اگرچه در مدیریت تهدیدات کلاسیک کارآمد بوده‌اند، اما در مواجهه با مختصات تهدیدات ترکیبی، نیازمند بازآفرینی معماری، اصلاح خطوط فرماندهی، و تجهیز به سامانه‌های بازدارنده ادراکی و واکنش سریع چندبُعدی هستند.

مطابق یافته‌های پژوهش حاضر، که بر پایه روش MICMAC و تحلیل داده‌های دلفی متخصصان امنیتی به‌دست آمد، امنیت ملی کارآمد در جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس چهار سطح عملکردی بازطراحی شود:

۱ سطح پیشران راهبردی؛ فرماندهی، هشدار، پدافند لایه‌ای

۲ سطح عملیاتی ترکیبی؛ روایت، سایبر، چابکی فرماندهی

۳ سطح پیامدی اجتماعی؛ اعتماد، مشارکت، انسجام

٤ سطح تسهیل‌گر نهادی؛ تحلیل داده، نوآوری، ظرفیت شبکه‌ای پاسخ

این چهار سطح، در مجموع، یک منظومه دفاعی هوشمند و یکپارچه را شکل می‌دهند که به جای تمرکز صرف بر بازدارندگی سخت، به‌دنبال ایجاد پایداری امنیت ملی از طریق انسجام ساختاری، واکنش سریع، و تولید سرمایه ادراکی است.

توصیه های سیاستی

۱.طراحی «معماری فرماندهی ترکیبی – چندسطحی» در پاسخ به تهدیدات هم‌زمان

با هدف یکپارچه‌سازی تصمیم‌سازی و اقدام امنیتی در سطوح نظامی، اطلاعاتی، رسانه‌ای، سایبری و اجتماعی؛ مبتنی بر مدل فرماندهی هم‌راستا و غیرمتمرکز تطبیقی.

۲ .تأسیس «مرکز ملی تحلیل تهدید ترکیبی(NCCTC)

جهت تجمیع داده‌های میان‌حوزه‌ای (سایبر، شناخت، اقتصاد، جامعه) با استفاده از هوش مصنوعی، تحلیلگر انسانی، و سامانه‌های هشدار پیش‌نگر. این مرکز باید مسئول ارائه تحلیل تصمیم برای ساختارهای امنیتی عالی باشد.

۳ .ایجاد قرارگاه «بازدارندگی ادراکی و روایت‌سازی ملی»

با هدف مقابله ساختاریافته با عملیات شناختی، روایت‌های خصمانه و تحریف رسانه‌ای. ترکیب وظایف صداوسیما، فضای مجازی، سازمان تبلیغات اسلامی، سپاه، دانشگاه و نخبگان در ساختار این قرارگاه ضرورت دارد.

٤ .تدوین «طرح جامع مشارکت مردم در امنیت ملی»

شامل آموزش‌های عمومی (پدافند غیرعامل، سواد رسانه‌ای، امنیت دیجیتال)، سامانه‌های گزارش تهدید محلی، رزمایش‌های واکنش محله‌محور و فعال‌سازی شبکه بسیج مردمی به‌عنوان بازوی لایه پیامدی.

۵ .نهادسازی برای «تهدیدات ترکیبی نوپدید» با افق ۱۰ ساله

شامل ساختارهای تحلیل و پاسخ در حوزه‌هایی مانند: فناوری‌های شناختی تهاجمی، جنگ داده‌محور، هوش مصنوعی خصمانه، عملیات چندمرحله‌ای زیستی، پهپادهای ریز، و بحران‌های امنیتی غیرمتقارن.

٦ .بازتعریف ساختار پدافند غیرعامل به‌عنوان «شبکه فرماندهی امنیت لایه‌به‌لایه»

با اختیارات ترکیبی، قابلیت تمرین، اتصال میدانی به نیروهای مردمی، و کنترل داده‌های هشدار برای پاسخ سریع در موقعیت‌های بحرانی داخلی.

امنیت ملی در نظم نوین جهانی، نه یک محصول ایستا و اداری، بلکه یک «فرایند پویای سیستمی» است که در آن، امنیت در لایه‌های مختلف تصمیم‌سازی، اجرا، جامعه، و ادراک باید بازتولید شود. مقاله حاضر نشان داد که بدون منظومه‌ای هوشمند، واکنش‌پذیر، بازدارنده و مشارکت‌محور، مواجهه با تهدیدات ترکیبی نه‌تنها ناکام خواهد بود، بلکه منجر به ناپایداری در مشروعیت، روایت، فرماندهی و انسجام اجتماعی خواهد شد.

منظومه طراحی‌شده در این مقاله، نقشه‌ای کاربردی برای انتقال ساختار امنیت ملی ایران از وضعیت «پاسخ‌محور نهادی» به «پایداری امنیتی چندساحتی» است؛ پایداری‌ای که برآمده از پیوند تصمیم، روایت، داده و مردم است؛ نه صرفاً اقتدار ابزار یا تمرکز ساختاری.

منابع

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام(۱٤۰۱/۰۳/۱٤). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ایwww.khamenei.ir

افروغ، عماد(۱۳۹۸). نظریه‌پردازی امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

بشیریه، حسین(۱۳۸۳). قدرت، مشروعیت و امنیت .تهران: نشر نگاه معاصر.

تنهایی، حسن(۱۳۹۵). مفاهیم پایه در نظریه‌های علوم اجتماعی .تهران: سمت.

جمشیدی، محسن؛ فتاحی، شهرام؛ رجبی، زهره(۱٤۰۱). ابرچالش‌های دفاعی-نظامی و شرایط محیطی جنگ‌های آینده. نظریه‌پردازی راهبردی، ۱(۳)، ۱–۲۰.

حسن‌بیگی، محمود(۱٤۰۰). دکترین جنگ ترکیبی و الزامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، ۲۵(۲)، ۸۵–۱۱۲.

حسن‌بیگی، محمود(۱٤۰۳). تحلیل مکاتب امنیتی و نقش جنگ ترکیبی در تقویت امنیت ملی. نظریه‌پردازی راهبردی، ۵(۲)، ۸۷–۱۱۲.

خطیبی، محمدرضا؛ موسوی، حمید.(۱۳۹۹). تحلیل آینده‌پژوهانه تهدیدات ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران با رویکرد سناریونویسی. امنیت ملی، ۱۰(۳)، ٤۳–٦۷.

سازمان پدافند غیرعامل کشور(۱٤۰۰). سند ملی راهبرد پدافند غیرعامل در جمهوری اسلامی ایران .تهران: مرکز مطالعات دفاعی.

ستاد کل نیروهای مسلح(۱٤۰۰). سند راهبرد ملی دفاعی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد نظامی.

سیدی، سعید(۱٤۰۲). امنیت ملی در دوران جنگ ترکیبی و جنگ‌های آینده. مجموعه مقالات اولین همایش فرماندهی و مدیریت در جنگ‌های آینده، تهران.

نظامی، مهدی؛ نشان، علی(۱٤۰۲). جنگ ترکیبی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران: عوامل اثرگذار (مطالعه موردی). مطالعات پدافند ملی، ۳(۱)، ۲۳–٤۵.

هدایتی چنانی، رحمان؛ حاج‌محمدی تبریز، محمدحسین؛ مرادی‌پسند، گلناز(۱٤۰۱). تأثیر ایدئولوژی اسلامی در نظام آموزشی برای مقابله با جنگ ترکیبی نوپدید. پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۱۱(٤۱)، ۱۹–۳۲.

واعظی، جواد؛ فتاحی، مهدی(۱٤۰۲). معماری امنیت ملی در عصر تهدیدات شناختی. دانش امنیت، ۸(۱)، ۱۱–۳٦.

Buzan, B., Wæver, O., & De Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.

Claverie, B., & du Cluzel, F. (2021). *The Cognitive Warfare Concept*. NATO Innovation Hub Report.

Claverie, Benoit, & du Cluzel, François. (2021). The Cognitive Warfare Concept. NATO Innovation Hub Report.

Frontiers in Big Data. (2024). *Cognitive warfare: a conceptual analysis of the NATO ACT cognitive warfare framework*.

Hoffman, F. G. (2007). *Conflict in the 21st Century: The Rise of Hybrid Wars*. Arlington, VA: Potomac Institute for Policy Studies.

Hybrid CoE. (2022). *Toward a Fifth Wave of Deterrence Theory and Practice*. Hybrid Centre of Excellence, Helsinki.

Kello, L. (2017). *The Virtual Weapon and International Order*. Yale University Press.

NDU Press. (2024). *Cognitive Warfare: The Fight for Gray Matter in the Digital Gray Zone*. National Defense University.

Renz, B. & Smith, H. (2016). *The Russian Hybrid War Strategy and Implications for Europe*. Journal of Strategic Studies, 39(6), 1–27.

Rid, T. (2020). *Active Measures: The Secret History of Disinformation and Political Warfare*. Farrar, Straus and Giroux.

Rid, Thomas. (2020). Active Measures: The Secret History of Disinformation and Political Warfare. New York: Farrar, Straus and Giroux.

SAGE Journals. (2025). *Countering Hybrid Threats: How NATO Must Adapt*. Journal of Strategic Defense.

Singer, P. W., & Brooking, E. T. (2018). *LikeWar: The Weaponization of Social Media*. Houghton Mifflin Harcourt.

Singer, P. W., & Brooking, Emerson T. (2018). LikeWar: The Weaponization of Social Media. Boston: Houghton Mifflin Harcourt.

US Army Training and Doctrine Command. (2019). *Multi-Domain Operations 2028*. Washington, DC: U.S. Department of Defense.

Wilson, C. (2021). *Cognitive Warfare and the Future of National Security*. RAND Corporation Reports.